مدیریت شهری
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015
۱۳۹-۱۶۰
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۸/۱

درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان ساخت بوسیله مولفه های مکان، فضا و کالبد

مهسا جوادی*-دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
مهرناز بوداغ-مربی، گروه آموزشی معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
ویدا مکانی-مربی، گروه معماری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

چکیده
هویت، صرف نظر از موضوعی عام و کلی در اغلب حوزه‌های معرفت بشری، مقوله‌ای کیفی است که به واسطه نیازهای انسان بر ساختار محیط تأثیر می گذارد، در واقع هویّت به مقوله کیفی مابین انسان و محیط می پردازد. کیفیتی که کمبود یا نبود آن سبب عدم ارتباط انسان با محیط و ایجاد محیطی فاقد خوانایی و معنا می گردد. بنابراین ایجاد خوانایی و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان براساس کیفیتهای فضایی او، مهمترین عامل مداخله انسان در محیط است. بدین ترتیب، که لازمه شناخت محیط به عنوان رهیافتی در جهت درک هویت محیط مصنوع، شناخت معنای هویت، هویت فضایی، مکانی و کالبدی و تاثیرات آن بر انسان و رفتار او می‌باشد. از این رو در این پژوهش، با هدف شناخت هویت جمعی و شهری بوسیله الگوهای عینی و ذهنی مکان، فضا و کالبد و با توجه به محیط انسان ساخت به تبیین مفهوم هویت محیطی بوسیله مولفه های مکان، فضا، کالبد و تاثیرات آن پرداخته می شود. بدین منظور براساس روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای معیارهای مشترک هویت محیطی با هویت فضایی، مکان و کالبد شناسایی می شوند تا اطلاعاتی در رده ذهنیت با در نظر گرفتن اشتراکات معنایی، خوانایی و تصورات ذهنی (غیرمادی) مابین هویت مکان و محیط حاصل گردد. علاوه بر این، اطلاعاتی نیز در رده عینیت همچون اشتراکات فرم و عملکرد (مادی) مابین هویت مکان و فضا حاصل می شود، که می توان آنها را طبق سه مولفه اصلی و مشترک مابین هویت محیط، هویت مکان، هویت فضا و هویت کالبدی و مطابق با عوامل کارکردی، ادراکی و کالبدی شناسایی و دسته بندی نمود.
واژگان کلیدی: هویت، محیط، انسان، هویت فضایی، مکان، هویت مکان، کالبد.

Introduction to the identity of the built environment by elements of location, space and body

Abstract
Identity, regardless of the issue in most areas of general human knowledge, the issue of quality is due to the structure of the environment affects human needs. In fact, the issue of qualitative identity between man and the environment. The lack of quality of the human relationship with the environment and create an environment where failure is lack of legibility and meaning. So create readability and meet the basic human needs according to His spatial resolution, the most important factor is human intervention in the environment. Thus, we need to understand the environment as an approach to understand the identity of the built environment, understanding the meaning of identity, space and physical space and its impact on man and his behavior is. Therefore, in this study, with the aim of collective urban identity by both objective and subjective patterns of location, space and body and due to the built environment to explain the concept of identity by environmental component location, space, body, and its effects will be discussed . Therefore, on the basis of descriptive, analytical and environmental studies identified common standards library with spatial identity, location and identification of the body so that the information in the category mentality by taking common sense, readability and imagery (immaterial) between the identity of the setting sure. In addition, information on the level of objectivity as a common form and function (physical) identity between place and space can be achieved that-be shared between the three major components of the identity, the identity of place, identity and physical identity and space in accordance with the functional factors, cognitive and physical identification and categorized.
Key words: identity, environment, human, spatial identity, location, location, identity, body.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۴۱-۳۳۳۱۸۶۸۱، رایانامه: mj_mahsaa@ymail.com
این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «طراحی دانشکده هنر و معماری در بافت قدیم اردبیل، طراحی پوسته‌ای برگرفته از معماری بومی اردبیل» استخراج شده است که با راهنمایی خانم دکتر مهرناز بوداغ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی به انجام رسیده است که بدینوسیله از معاونت پژوهشی دانشگاه قدردانی می گردد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

هویت یکی از مهمترین و اساسی ترین مسائل حوزه های معرفت و نیاز بشری است. اصطلاح هویت مفهومی انتزاعی است که در عین سادگی از پیچیدگی ها و حوزه های معنایی بسیاری برخوردار است. هنگامی که از هویت سخن به میان می آید، بسته به آن که از چه دریچه ای و در حوزه چه علمی به آن نگریسته شود، تعاریف گوناگونی بدست خواهد آمد (کامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۲)؛ لذا که هویت مقوله ای ارزشی و هنجاری است و بحث در مورد آن مستلزم ارزش گزاری و موضع گیری هنجاری است (میرمقتدایی، ۱۳۸۵، ص ۱۰). هویت دارای مفاهیم پیچیده ای است، مفهوم هویت را می توان در حوزه های واژه شناسی، جامعه شناسی، روانشناسی، فلسفه، فرهنگ و... جستجو کرد (کامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۲)؛ چنانچه که هویت در نظام های مختلف فکری نیز با محک هایی متفاوت سنجیده می شود؛ بدین ترتیب که در جامعه ای با معیارهای پایدار ارزشی، همچون جامعه سنتی- مکتبی، محک هایی متعین[1]، و در جامعه ای با معیارهای ارزشی ناپایدار، همچون جامعه مدرن- مدنی، محک هایی نامتعین ملاک ارزیابی هویت قرار می گیرند (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷). بررسی و مرور کلی مطالعات مربوط به موضوع هویت در سطح سکونتگاه های انسانی نشان می دهد که هویت از چند بعد مورد توجه و تاکید قرار گرفته است که از آن جمله می توان به ابعاد هویت محیطی، هویت فضایی، هویت مکانی، هویت کالبدی، هویت شهری و.... اشاره نمود. هویت محیطی در این پژوهش با مطالعات روانشناختی و جامعه شناختی و با اشرافیت بر هویت جمعی و شهری مورد بررسی قرار می گیرد. در واقع مفهوم هویت در محیط مصنوع بیشتر با توجه به نظریه ها و رویکردهای ادراک محیط و علوم رفتاری در بسیاری از متون و پژوهش ها، دنبال شده است. لذا پژوهش حاضر، با توجه به وجود الگوهای عینی و ذهنی فضا، مکان و کالبد بدنبال تعیین مفهوم هویت محیطی است. از این رو با توجه به رویکرد پژوهش، هویت در سطح سکونتگاههای انسانی و در حوزه های واژه شناسی، روانشناسی و علوم رفتاری (مانند تاثیر الگوهای رفتاری و غیره)، ادراک محیطی و جامعه شناسی (مانند: فضای اجتماعی و مفاهیم کالبدی و ادراکی یا هویت شهری و موارد مشابه) با تکیه بر مطالعات کتابخانه ای و از دیدگاه پدیدارشناسی مورد مطالعه قرار می گیرد. تا با هدف شناخت هویت محیطی بوسیله الگوهای عینی و ذهنی مکان، فضا و کالبد و با توجه به محیط انسان ساخت به تبیین مفهوم هویت محیطی بوسیله ریز مولفه های آن پرداخت. در واقع لزوم توجه به هویت در سطح سکونتگاههای انسانی را می توان در نابسامانی های هویتی امروز که تهدیدی برای بقا و پایداری محیط مصنوع است، یافت. لذا که این نابسامانی ها می نواند تمام ارزشهای میراث فرهنگی را از بین ببرد. و محیط پیرامون را فاقد هویت و تصویر ذهنی آن بنماید.و عواقب ناخواسته ای را بر پیکره حیاتی شهر وارد آورد. بنابراین در پژوهش حاضر، ابتد با بررسی مفهوم هویت در حوزه های مرتبط با، واژه شناسی و ارتباط آن با انسان و محیط پرداخته می شود سپس هویتی جامع در قالب هویت محیطی (شهری) در سطح سکونتگاههای انسانی تبیین می گردد.

مبانی نظری تحقیق

واژه شناسی هویت

هویّت، کلمه ای عربی به معنای تشخّص است که کیستی فرد و جامعه را مشخص و آن را از دیگران متمایز می سازد و به جهت نقشی که در شناخت افراد، اشیا، اجتماعات و مکان ها دارد، حائز اهمیت فراوانی است (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۵۴). در لغت نامه دهخدا هویّت چنین تعریف شده است: «هویّت عبارت است از تشخص که گاه بر وجود خارجی اطاق می شود و گاه بر ماهیّت با تشخص که عبارت از حقیقت جزئیه است. هویّت مرتبه ذات

۱. لغتی عربی در معنای ظاهر و آشکار است (عمید،۱۳۵۲،۲۳۵).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۱. واژه شناسی هویت، ماخذ: نگارندگان.

معنا و مفهوم واژه «هویت»		
لغت نامه ها و فرهنگهای فارسی معاصر	لغت نامه دهخدا	مرتبه ذات ناب، مرتبه احدیت و لاهوت
	فرهنگ عمید	حقیقت شخص+ صفات جوهری وی
	فرهنگ معین	متمایز کننده افراد از یکدیگر
	فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی	اشاره به ذات و تشخص و این همانی موجودات و از منظر فلسفه اشارتی است از وحدت در کثرت
لغت نامه-های انگلیسی	لغت نامه آکسفورد	کسی یا چیزی بودن، همان موجود بودن، همانی
	فرهنگ آریانپور	این همانی، شخصیت، تشخص و خود واقعی

ناب را گویند و مرتبه احدیت و لاهوت اشارت است از آن» (دهخدا، ۱۳۳۴، ص ۴۹).

فرهنگ عمید هویّت را حقیقت شیء یا شخص می داند که مشتمل بر صفات جوهری او باشد (قطبی،۷۸،۱۳۸۷) فرهنگ معین نیز واژه هویت را چنین تعریف کرده است: آنچه که موجب شناسایی شخص باشد. یعنی آنچه را که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد. (معین،۱۰۱۴،۱۳۸۴) در فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی «هویت اشاره به ذات و تشخص و این همانی موجودات» است و نیز ذکر شده که:

«واژه عربی هویت دارای کاربرد فلسفی است که عبارت است از دو چیز که با هم در وجود و حقیقت یکی باشند هرچند که دارای بعضی وجوه افتراق باشند» (قطبی، ۱۳۸۷، صص ۷۸-۷۹).

در سایر فرهنگهای لغات فارسی نیز کم و بیش ویژگی یا کیفیتی که موجب تمایز یا شناسایی کسی یا چیزی از دیگران شود از تعاریف مشترک هویت است. به عبارت دیگر در واژه شناسی فارسی، هویت نوعی تعین یافتن است.

کلمه " identity" در فرهنگ واژگان آکسفورد به معنی آنچه که کسی یا چیزی هست، همان بودن ، و مبحثی در مورد چیستی پدیده است (Oxford,۲۰۰۷,۷۷۰) ریشه Identity از واژه لاتین Identitas می باشد. Idem به معنی همان و Entitas به معنی موجود بودن است. به عبارت دیگر Identity به معنی همان موجود بودن و همانی مطلق است (قطبی، ۱۳۸۷، ص ۷۹). در انگلیسی و فرانسه، لفظ identity به عنوان معادل هویت به کار می رود که در فرهنگ بریتانیکا واجد دو معنی منطقی به معنی «این همانی» و در روانشناسی به معنای «شخصیت، تشخص و خود واقعی» است (آریانپور، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳۵). با توجه به تعریف فوق تاکید بر «این همانی» و همانندی با خود و تشخص و تمایز با غیر خود مشخص است. اصطلاح «این همانی» یکی از اصطلاحات معرفی است که در بسیاری موارد متعارف واژه هویت به کار گرفته می شود. از این رو واژه «همان» نیز در فرهنگهای فارسی مورد توجه قرار گرفت، در فرهنگ معین در معنی همان چنین آمده است «آنچه قبلاً ذکر شده آنچه که در خاطر گوینده و شنونده معهود است» (معین، ۱۳۸۴، ص ۵۱۶۸). لغتنامه دهخدا نیز همان را «چیزی که مخاطب و متکلم بتواند از طریق آن ارتباط برقرار کند» معنی می کند. (دهخدا، ۱۳۳۴، ص ۲۰۲۷۹). بدین ترتیب می توان خلاصه‌ای از واژه شناسی هویت را در جدول زیر مشاهده نمود.

بنابراین هویت به معنای تشخص، هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد- همچون شخصیت یا کیفیت - بیانگر ویژگیهای هر فرد یا پدیده‌ای است. در واقع هویت وابستهٔ لاجرم هر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۱. هرم نیازهای انسان براساس مدل مازلو، ماخذ: (Maslow,۱۹۴۳)

چیـزی اسـت کـه وجـود دارد. بـا توجّـه بـه ایـن کـه هویّـت یـک مقولـه کیفـی اسـت که بر سـاختار شـهر تأثیرگـذار اسـت بحـث هویّت بـه مقوله انسـان، محیط بـر می گـردد (نقـی زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۹).

رابطه هویت و انسان

انسـان موجود پیچیده ای اسـت که دارای انگیزش های مـادی و معنـوی گوناگـون در هـر عصـری می باشـد. «انگیـزش، نیـروی هدایتگـر رفتـار اسـت، رفتارهـا در جهـت ارضـای نیازهـای انسـانی شـکل می گیـرد» (لنـگ، ۱۳۸۱، ص ۹۶). بنابرایـن شـناخت نیازهـای انسـانی در طراحـی بـر مبنـای ایجـاد رابطـه مناسـب بـا زندگـی مـردم و محیـط اطـراف و طرحهـای از ایـن دسـت کـه مبانـی روانشناسـانه دارنـد و بـه طـور ویژه بـه مباحـث کیفی فضا مربـوط می شـوند، اهمیت قابل توجهـی دارد. نیازهای ذکر شـده از سـوی آبراهام مازلو ، سلسـله مراتبـی را تشـکیل می دهنـد کـه از نیازهای متعالـی تـا نیازهـای اولیـه در ۶ رده قـرار گرفته انـد. سلسـله مراتـب پیشـنهادی مازلـو بـه ترتیـب تصویـر مجاور می باشد.

جدول شـماره ۲ برگردان نیازهای انسـان به کیفیتهای فضایـی اسـت، چنانچـه که فضای سـاخته شـده دارای کیفیت هـای مذکـور باشـد می-توانـد ارتبـاط طولانی مـدت بـا کاربرانـش برقرار کنـد. (احمـدی، ۱۳۸۹، ص ۵۱)؛ ماننـد: وجود حس تعلق پذیـری به مکان (هویت، حـس مـکان، تسـهیلات اجتماعـی و...) کـه از نیازهای غیرمـادی اسـت کـه می تـوان با تحقـق آن مانـدگاری فضایی ایجـاد نمود.

مفهوم هویت نزد انسان سنتی و مدرن

در نـگاه سـنتی «انسـان در جهانـی میزیـد کـه فقـط یـک مبـدا و یـک مرکز دارد. او نسـبت بـه آن مبداء در آگاهـی کامـل به سـر می بـرد. او روی دایـره ای زندگی می کنـد کـه پیوسـته از مرکـز آن باخبـر اسـت و در زندگـی، اعمـال و اندیشـه های رو بـه سـوی آن مرکـز دارد» (نصـر، ۱۳۸۰، صص ۱۳۳-۱۳۴)؛ بنابراین هویت برای انسـان سـنتی (مذهبی) باوری اسـت. کـه به مدد ایمـان بـه غیـب شـکل می گیـرد و سـازنده و پردازنده پنـدار، کـردار و رفتـار اوسـت. ایـن اصـول پاینـده، بـر معمـاری بـه مثابـه هنجـاری اجتماعـی اثـر گذاشـته و آن را سـمت و سـویی خـاص می بخشـد. معمـاری سـنتی از آن روی دارای هویـت دانسـته می شـود کـه مظهـر و محـل تجلـی اصـول پایـداری اسـت؛ اصولـی چـون وحـدت، حکمت، صداقـت، قناعت کـه معماران بواسـطه آنـان معمـاری را جهـت و سـو می دهنـد (حجـت، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

در صورتی که هدف انسـان مدرن[1] (سـکولار) از زیستن در ایـن جهـان، کام گرفتن از آن اسـت (نصـر، ۱۳۷۶، ص ۲۲۴)؛ انسـان مـدرن هدفـی خارج از جهـان مادی نمی شناسـد و بـه ریاضـت، عقوبـت و معـاد اعتقـادی نـدارد (حجـت، ۱۳۸۴، ص ۵۸). وی بـرای زیسـتن در جهـان از قوانینـی پیـروی می کند که خود سـازنده آن اسـت؛ قوانینـی که بر سـر آن با سـایر انسـانهای مدرن به توافق رسـیده اسـت. انسـان مدرن تابع «قراردادهای اجتماعـی» اسـت. ایـن قراردادهـا سـاخته و پرداختـه خـرد انسـانی هسـتند (فروغـی، ۱۳۶۶، ص ۱۶۳). خـرد انسـان مـدرن بـرای معمـاری نیز، همچون سـایر هنجارهـای اجتماعی، پیوسـته قراردادهایی را منعقد و لغـو، و شـیوه ها و سـبک هایی را جـاری و باطـل مـی-نمایـد. معماری مـدرن -به معنای عـام- محصول تکثر اصـول و قراردادهای عصر جدید اسـت کـه هر از گاهی

۱. در دنیای مدرن، یکی از حوزه های که می تواند رهگشای درک مسئله هویت متکثر انسان مدرن باشد، حوزه روانشناسی است. هویت در حوزه روانشناسی فردی به شکل گیری شخصیت و هویت می پردازد. احساس هویت یکی از مشخصات تبین شخصیت است. شخصیت و هویت دو مفهوم جداگانه اند، حال آن که در بسیاری از تعاریف یکی انگاشته می شوند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۲. برگردان نیازهای انسان به کیفیت های طراحی، ماخذ: گلکار، ۱۳۸۰، ص ۵۲.

نیازهای انسانی	کیفیتهای طراحی مربوطه
نیازهای فیزیولوژیک	تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم اقلیمی خرد) استحکام تعادل مبتنی بر بوم شناسی
نیازهای ایمنی	ایمنی معابر، نظارت و مراقبت، محرمیت، نفوذپذیری و انعطاف پذیری
نیاز به تعلق داشتن	هویت، حس مکان، تسهیلات اجتماعی، خوانایی، تناسب بصری
نیاز به قدر و احترام	حس تعلق به فضا، فردیت و تعلق داشتن به گروه
نیاز به خود شکوفایی	فرصت های برای شخصی سازی فضا و مشارکت در طراحی، تنوع
نیاز به زیبایی	نما و منظر، غنا

جدول ۳. نگرش ها در شکل گیری شخصیت و هویت فردی در ارتباط با محیط خارج، ماخذ: با برداشتی از (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۳.

شکل گیری شخصیت و هویت فردی	
انواع هویتهای متکثر انسان مدرن	نوع نگرش
جنبه های درونی و غریزی فرد شکل دهنده به مفهوم هویت انسان مدرن	رفتار انسان تاثیرگذار بر محیط
محیط مادی و اجتماعی شکل دهنده به مفهوم هویت انسان مدرن	محیط تاثیرگذار بر رفتار انسان
محیط درون و بیرون شکل دهنده به مفهوم هویت انسان مدرن	توازن انسان و محیط

تحت تاثیر مولفه های متغییر و پویای روزگار مدرن شکلی نو و تازه به خود می گیرد و ساخت وساز جدیدی را طلب می کند (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۹). نگاهی به معماری غرب پس از رنسانس و تامل در فراوانی سبک ها و شیوه ها، حکایت از تلاش معمار غربی برای هدف سازی و هدف یابی مدام دارد. فوکو می گوید: «ما باید سرپیچی کنیم از آن چیزی که هستیم» (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۶۴)؛ بنابراین انسان مدرن (سکولار) خود به مدد خود، هویت خویش را می سازد (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۸). از این رو هویت انسان مدرن متکثر و نشات گرفته از عوامل متعددی است که این عوامل در قالب ۳ مدل کلی، خود آدمی را به عنوان واحد کل می شناساند. تعریفی از هویت انسان زیسته در جامعه مدرن و ارتباط با محیط خارج، که تاکنون تحت عنوان هویت متکثر عنوان گردید، با توجه به دیدگاهها و موضوعات مطرح مطابق جدول شماره ۳ ریشه یابی شده است.

به این ترتیب در یک جمع بندی می توان رابطه هویت با انسان زیسته در جامعه سنتی و مدرن را مطابق جدول ۴ مشخص نمود.

با توجه به موارد پیش گفته تصاویر ۲ و ۳ مدلی شماتیک از انسان زیسته در جامعه مدرن و جامعه سنتی و مفهوم هویت در نزد او می باشد.

بنابراین به طور کلی می توان گفت که محیط ساخته شده هر چه هست، (اعم از محیط مادی و اجتماعی یا محیط درون و بیرون) بر شخصیت فرد تاثیر می گذارد و از آن تاثیر می پذیرد در واقع میان فرد و مکان رابطه ای متوازن و عمیق تر از صرف بودن یا تجربه کردن آن مکان برقرار است.

رابطه هویت و محیط

برای این که محیط را بتوان درک کرد محیط باید خوانا و آشنا باشد (لینچ، ۱۳۷۴، ص ۱۲). به عبارت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۴. مقایسه رابطه هویت با انسان زیسته در جامعه سنتی و جامعه مدرن، ماخذ: نگارندگان.

مولفه های مشترک انسان جامعه سنتی و مدرن	انسان زیسته در جامعه سنتی	انسان زیسته در جامعه مدرن
هستی و غایت جهان	یک مبدا و یک مرکز مشتمل بر کمال، پاکی، ازلی و تمامیت	برهه‌ای میان تولد و مرگ بدون هیچ غایت و فرجام و وعده و معادی
اهداف زیست	دست یابی به بهشت موعود و جهان غیر مادی	کام گرفتن از جهان مادی (زیرا هدفی جز آن نمی شناسد)
اصول زیست (شخصیت و هنجارهای اجتماعی)	پیروی از اصول الهی با سمت و سوی آمیخته به ریاضتها، رعایتها، خودداری ها و بردباری ها	پیروی از اصول مطابق با توافق انسان ها و تابع قراردادهای اجتماعی و عدم اعتقاد به ریاضت، عقوبت
هویت	ذات الهی مقدم بر وجود انسان + هویت در جامعه سنتی واحد، پایدار و الهی (ایمان به غیب)	وجود انسان مقدم بر هر پدیده‌ای + هویت در جامعه مدرن متکثر و اکتسابی
هویت معماری	مظهر و محل تجلی اصول پایداری نظیر: وحدت، حکمت، صداقت، قناعت و موارد مشابه.	مظهر اصول پویا، متکثر و گذرای عصر جدید نظیر: اختلاط ها و غیره.

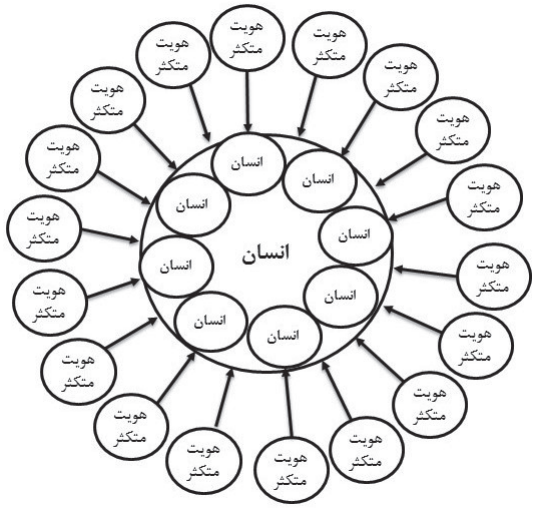
دیگر خوانایی «یعنی این که شهر تا چه اندازه می تواند به وضوح درک شود، و از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد، ساکنین آن، آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزشها و مفاهیم جامعه در ارتباط است. یعنی انطباق محیط با توانایی های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی» (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲) که منظور همان سنجش با ذهنیات است که اگر با آن معیارها قابل شناسایی نباشد قابل ادراک نیست یا بی هویّتی است. راپاپورت در تعریفی جامع از محیط آن را حاصل برقراری ارتباط معنادار می داند. در نظر او «محیط ممکن است به عنوان یکسری از ارتباط - بین اشیا و اشیا، اشیا و انسان و انسان و انسان- دیده شود. این ارتباطات منظم و دارای الگو و ساختار هستند» (راپاپورت، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

گیفورد محیط را بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی وی تعریف می کند. به عقیده وی در چنین تاثیر متقابلی، فرد محیط را دگرگون می کند. و هم زمان، رفتار و تجارب وی بوسیله محیط دگرگون می شود. (مرتضوی، ۱۳۸۰، ص ۴۶).

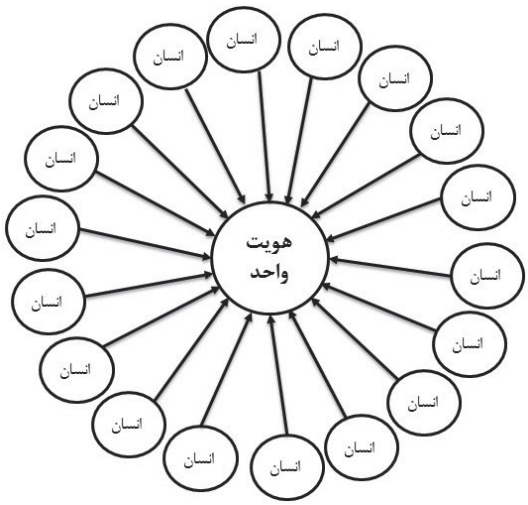
پارکینسن نیز محیط را حاصل برقراری تعامل میان افراد و مکان کالبدی می داند و می گوید: «محیط ساخته شده چیزی بیش از ساختمانها را در برمی گیرد. این امر نتیجه تعامل بسیار پیچیده میان مردم و مکان است» (پارکینسن، ۱۳۸۰، ص ۷۷)؛ به عقیده هیوم تمام اقدامات بشر در مراحل مداخله و شکل دادن به محیط مصنوع به گونه‌ای در جهت پاسخ گویی به نیازهای انسانی است. هویت محیط بیشتر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر هستند تا نیازهای که به جسم وی سروکار دارند. وقتی چیزی در محیط وجود نداشته باشد، نیاز به هویت محیط بیشتر احساس می شود. بعد از نیازهای فیزیولوژیکی، امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان است.

بازنمود نیاز به امنیت در طراحی محیط در قالب نشانه های در فرم های مصنوع ظاهر می شوند، این

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



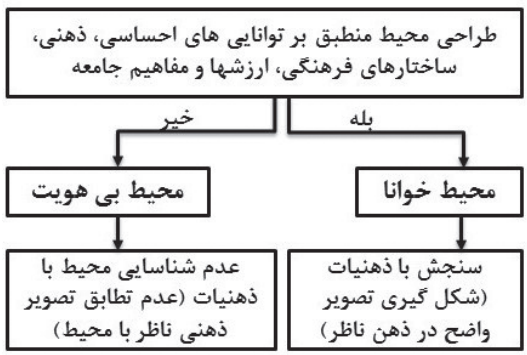
تصویر ۲. مدل شماتیک از انسان زیسته در جامعه مدرن و هویت متکثر او، ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. مدل شماتیک از انسان سنتی و هویت واحد او؛ ماخذ: نگارندگان.

فرم های مصنوع[1] نیازهای را که به آن اشاره دارند برآورده می سازد. (یزدانی و همکاران،۱۹،۱۳۸۷) هویت محیطی به تعبیری برداشتی دیگر و یا ترکیبی از هویت کالبدی و هویت مکانی است. این مفهوم عمدتاً سیمای بصری سکونتگاه ها، شهر و بستر طبیعی را مد نظر قرار می دهد. در برخی از مطالعات، مفهوم هویت محیطی منحصر به حفظ شرایط طبیعی بسترهای مکانی است و کمتر به سایر ابعاد سکونتگاه ها می پردازد.

بنابراین با توجه به دیدگاهها و نظریات پیش گفته لازمه شناخت هویت محیطی شناخت محیط، فضا و مکان و تاثیرات آن بر انسان و رفتار او، رهیافتی در جهت درک هویت در کالبد و شهر (محیط مصنوع) می باشد. زیرا، «هر فضا و مکان، به عنوان یک منبع هویت است و گروه هایی را که در آن قرار می گیرند هویت می بخشد» (ربانی، ۱۳۸۱، ص ۳۷). مکان و فضا به سبب خصلتهای مرز پذیری، قابل تحدید بودن، تمایز و ثبات داشتن و تعلق به گروه از مهمترین عواملی هستند که نیازهای هویتی انسان را از طریق القای امنیت و آرامش تامین می کنند (دریایی لعل و حوصله دارصابر، ۱۳۸۹، ص ۱۵)؛ بنابراین،



تصویر ۴. محیط خوانا و بی هویت از منظر طراحی محیط، ماخذ: نگارندگان.

به بررسی مولفه های هویت ساز در محیط یعنی فضا، مکان و تاثیرات آن بر انسان و رفتارهای او پرداخته می شود.

فضا

در یک جمع بندی کلی می توان فضا را قسمتی از واقعیت محیط دانست که در رده عینیت قرار گرفته است و مانند سایر پدیده های در رده عینیت، واجد فرم و عملکرد است و نه تنها در تعامل با انسان قرار می گیرد بلکه انسان توسط فرآیند ادراک مشخصات عینیت مزبور را به کمک حواس به مغز منتقل می کند و پس از انطباق با اندوخته های قبلی در

۱. در این بیان مفهوم امنیت با مفهوم نشانه گذاری فضا به منظور تسهیل در درک فضا و خوانایی و در نتیجه شناخت و تاثیرش در حس امنیت مترادف بیان شده است. (wong,۲۰۰۳,۱۱)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۵. نگرشها در شکل گیری هویت و محیط از دیدگاه نظریه پردازان، ماخذ: نگارندگان.

نظریه پردازان	نوع نگرش
راپاپورت	محیط حاصل ارتباطات منظم، الگومند و ساختاری
گیفورد	محیط متاثر از فرد و قرارگاههای فیزیکی او
پارکینسن	محیط حاصل برقراری تعامل فرد با مکان کالبدی
هیوم	محیط برآورده کننده نیازهای انسان

حافظـه خـود بـه ارزیابـی و شناسـایی آن می پـردازد. (مباحـث مربـوط بـه هویـت در روانشناسـی فـردی) سـپس بـا تعاملی میـان انسـان و محیط (یعنـی ادراک و رفتـار) آن را تجربـه نمـوده تـا ذهنیتی از آن بدسـت آورد. و واجـد ذهنیتـی در قالـب یـک تصویـر ذهنـی گردد.

مفهـوم فضـا از دیـدگاه پدیدارشناسـانه[1] بدیـن گونـه اسـت کـه؛ محیـط اطـراف انسـان توسـط پدیده هـای فراوانـی تحـت عنوان «واقعیت» اشـغال شـده اسـت. و انسـان تنهـا بخشـی از ایـن واقعیتهـا را درک می-کند. و بـه ایـن واقعیتهای قابـل درک «عینیـت» می گویند. بدیـن ترتیـب کـه اگـر واقعیـت همـان محیـط فـرض شـود و محل یا جـا را اطلاعاتی از رده واقعیت دانسـت. فضـا بخـش گزینش شـده ای از اطلاعات محیط اسـت که به آن محل خاص مرتبط است.

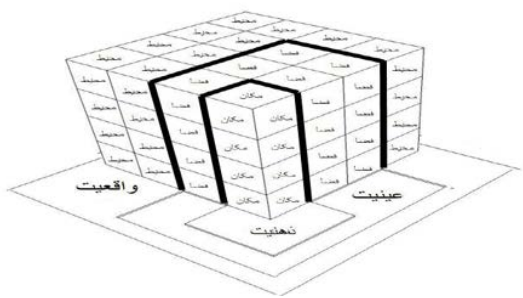
تعامل انسان و فضا

بـه طـور کلـی رابطـه بیـن انسـان و فضـا یـک رابطـه متقابـل اسـت و از دو جنبـه دارای اهمیـت می باشـد: ۱- تاثیـرات رفتـار بـر فضـا، ۲- تاثیـرات فضا بـر رفتار.

۱. «**تاثیـرات رفتـار بـر فضـا**»: از آنجـا کـه فضـا پدیـده ای اسـت کـه بایـد بـا مـردم و رفتارهایشـان در نظـر گرفتـه شـود. رفتـار مـردم در فضـا اصـولا بـر خصوصیـات کیفـی فضـا تاثیـر می گـذارد. کیفیـت واژه ای اسـت کـه در ارتبـاط بـا انسـان معنـی پیـدا می کنـد. (وحیـد،۱۳۸۷،۷۵) بنابرایـن می تـوان بیـان کـرد کـه فضـا بخشـی از ویژگیهای خـود را که شـامل خصوصیـات کیفی آن می باشـد، از تاثیـرات رفتار مردم در آن فضـا بـه امانـت می گیـرد.

۲.«**تاثیـرات فضـا بر رفتـار**»: تردیـدی نیسـت که فضـا به عنـوان بخش عینی محیـط، می تواند بـر رفتار اثـر بگـذارد. اگـر چـه تاثیـرات فضا بـر رفتـار، قطعی و منحصـر نیسـت (بروز رفتـار در فضا به شـرایط دیگری نیـز وابسـته اسـت[1]) ولـی قطعا فضـا می توانـد تاثیرات غیرقابـل انکاری بـر رفتار بگذارد (وحیـد، ۱۳۸۷، صص ۷۵-۷۶).

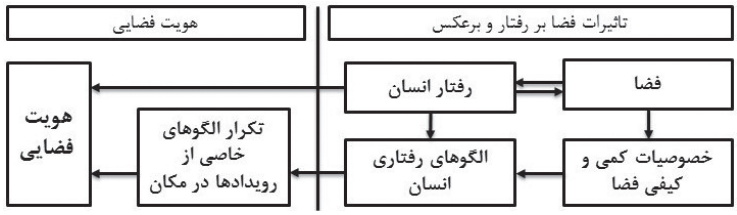
رفتارهـا براسـاس پاسـخی کـه از محیـط دریافـت می کننـد، می تواننـد تقویـت یـا تضعیـف شـوند. ایـن



تصویر ۵. محیط، فضا و مکان اطلاعاتی در رده واقعیت، عینیت و ذهنیت، ماخذ: نگارندگان.

۱. نقطه تمرکز پدیدارشناسی، مفهوم جدایی ناپذیر انسان (ذهن) و جهان (عین) می باشد. (یعنی چگونگی وجود انسانها در ارتباط با جهان می باشد) برای محققان پدیدار شناس حوزه علوم رفتاری- محیطی، زیست جهان و مکان از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا هر دو آنها به طور همزمان انسان و جهان را در کنار یکدیگر قرار داد و وجوه فضایی، فیزیکی و محیطی وقایع و زندگی انسان را بیان می کنند. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۴).
۲. اگرچه محیط امکان بروز یا تجدید رفتارهای را فراهم می آورد، ولی تعیین کننده نهایی رفتار فرد و جامعه است. بنابراین رفتار فرد و جامعه از نحوه تعامل با دیگران و محیط شکل می گیرد و در یک جریان خوب این محیط می تواند زمینه ای به وجود آورد تا فرد به بهترین شکل رنگ و بوی تعلق گیرد. (پورجعفر و همکاران،۱۳۹۰،۱۳)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۶. تاثیرات فضا بر رفتار و برعکس و ارزیابی مفهوم هویت فضایی، ماخذ: نگارندگان.

بدان معنا است که کیفیت و کمیت فضا می تواند برای مردم الگوی رفتاری تعیین نماید. از این رو فضا قسمتی از زمینه رفتار است و می تواند در کنترل رفتار، یعنی القا یا حذف رفتار نقش داشته باشد. بنابراین می توان برای فضا نقشی القا کننده یا تشویق گر قائل شد.[1] از آنجا که محیط شامل مجموعه‌ای از قرارگاههای رفتاری است که در درون یکدیگر قرار گرفته و با هم فصول مشترکی دارند. عناصر اصلی این قرارگاه های رفتاری، الگوی شاخص رفتار و محیط فیزیکی است (لنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷).

الکساندر پس از اشاره به «کیفیتی بی نام» که موجب زنده ماندن بناها و شهرها می شود چنین عنوان می کند که «برای تعریف این کیفیت در بناها و شهرها، باید کار را با درک این مطلب شروع کرد که هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می شود.» (الکساندر، ۱۳۸۵، ص ۶۵)؛ بنابراین از آنجا که هر فضا برای ساکنانش از یک هویت و ساختاری واحد برخوردار است (فیالکوف، ۱۳۸۲، ص ۶۲)؛ می توان تاثیر متقابل آنها را به صورت شماتیک در تصویر ۳-۳ مشاهده نمود.

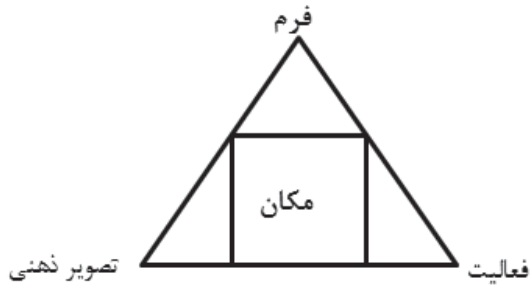
مکان

مکان عنصر اصلی هویت ساکنان آن در محیط می باشد. انسان با شناخت مکان می تواند به شناخت خود نایل شود. یکی از علل سرگردانی انسان امروز نپرداختن به مفهوم مکان و از آن ره نبود هویت مکانی است (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). مفهوم مکان از دیدگاه پدیدارشناختی (پدیده شناسی هوسرل) بدین گونه است که؛ براساس تعریف فضا، که در رده عینیت قرار می گیرد، و دارای فرم و عملکرد می باشد. چنانچه فضا برای انسان معنای خاصی به همراه داشته باشد و در ذهن، خاطراتی را ایجاد کند، ذهنیت جای خود را باز می کند و فضا از پدیده‌ای عینی به موجودی ذهنی، تبدیل می گردد که «مکان» نام دارد، نکته مهم این است که ذهنی بودن مکان به معنای آن نیست که مکان فاقد فرم و عملکرد است، بلکه مکان عینیتی است که علاوه بر فرم و عملکرد دارای ویژگیهای معنایی نیز می باشد در واقع مکان محل تلاقی فرم، عملکرد و معنای فضا می باشد (وحید، ۱۳۸۷، ص ۷۷). رلف معتقد است که یک مکان موقعی فراتر از یک فضا است که واجد سه خصوصیات محدوده کالبدی، فعالیت و معنا باشد. و در این میان معنا را جز اصلی و لاینفک و صعب الوصول این گروه می داند. (Relph,۱۹۷۶ tuan,۱۹۷۴) که از مشخصه های آن می توان به حضور انسان و واجد معنا کردن یک فضا در ذهن ناظر اشاره نمود که این تعریف به صورت «مکان= فضا + معنا» نیز بیان می شود. (Harrison & Dourish,۱۹۹۶,۶).

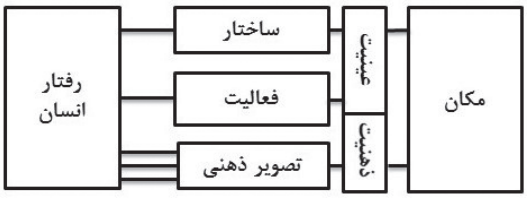
بنابراین مشخصه مکان خاص تر بودن آن نسبت به فضا و در هم تنیدگی آن با ارزشهای انسانی است. (رحمانی، ۱۳۸۹، ص ۸۸)؛ کارمونا نیز در کتاب خود مکان را یک مثلث سه قطبی حاصل برآیند

۱. قاسمی، مروارید، ۱۳۹۰، اهل کجا هستم، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی تهران (مشخصات کامل کتاب در قسمت فهرست منابع موجود می باشد)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۷. مدل مفهومی مکان و اجزا آن، ماخذ: (۱۹۷۷a,Canter)



تصویر ۸. میزان تاثیر عینیت و ذهنیت بر رفتار انسان، ماخذ: نگارندگان.

جدول ۶. مکان و معیارهای سنجش آن، پونتر و مونتگمری، ماخذ: (۲۰۰۶,Carmona)

مکان	معیارهای سنجش
تصویر ذهنی	خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه های حسی، ارتباطات روانی، ادراک، شخصی، جهانی
فعالیت	گوناگونی، سرزندگی، زنده بودن خیابان، نظاره کردن مردم، کافه فرهنگی، سرگرمی-های محلی- سنتی، ساعتهای فعالیت، فعالیتهای جاذب، معامله و اقتصاد
فرم	مقیاس، مرکزگرایی، نفوذپذیری، نشانه ها، فضاهای ساخته شده، نسبتها، فضاهای عمومی

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

سه عامل فعالیت، فرم و تصور ذهنی می داند. شهر نیز همچون هر پدیدهٔ و محیط دیگری دارای همین سه مؤلفه فرم، عملکرد و معنا می باشد. مکان با ساختار فرم و عملکرد که در آن رخ می دهد تعریف مادی پیدا می کند و با شکل گرفتن تصویر و خاطره آن در ذهن انسان و در طول زمان معنا و روح پیدا می کند (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۹).

همچنین تبدیل سه مولفه مذکور مکان به کیفیتهای طراحی در جدول ۶ مشخص گردیده است.

هر یک از مولفه های مذبور مکان، کیفیتهای خاص مکانی را ایجاد می کند. به عنوان مثال استفاده از نشانه های خاطره انگیز و نمادها در ادراک و فهم انسان از مکان به عنوان تصویر ذهنی موثر است. از این رو این نشانه ها می توانند علائم آشنا و یا خاطره انگیز برای مردم باشد و سبب ایجاد مفهوم مکان (به معنای احساسات و درک فضا) گردند (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۳)؛ شولتز نیز مکان را فضای احساس و درک شده و با خاطره عجین شده تلقی می کند و بخشی از معنای مکان را در تجربه ها و حالات روحی انسان جست و جو می نماید. برای او مکان همان فضای زنده است. (شولتز، ۱۳۸۳، ص ۷۳).

تعامل انسان و مکان (هویت مکان)

رابطه انسان و مکان غیرقابل تفکیک و عجین شده با هم می باشند. از نظر کانتر مکان نمی تواند مستقل و جدای از انسان در نظر گرفته شود. (لنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۵). و وجود انسان به عنوان مهم ترین عامل معنا دهنده به مکان محسوب می شود. بر این اساس انسان در اثر پیوند و ارتباط با مکان، خود را جزئی از مکان می داند و براساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی، عملکردها و شخصیتها تصویرذهنی از آن مکان برای خود می سازد و مکان برای او قابل درک و فهم می شود (رحمانی، ۱۳۹۲، ص ۸۷).

از این رو مطابق با تصویر ۸ مکان تعیین کننده معنای فضا و جهت دهنده به رفتار انسانی است. رلف ارتباط میان انسان و مکان را با عنوان روح

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۹. مثلث تعاملات انسان و مکان، ماخذ:نگارندگان.



تصویر ۱۰. مدل مفهومی حس مکان و اجزاء آن، ماخذ: (Montgomery,۱۹۹۸,۹۷)

مکان یاد می کند و شولتز آن را عاملی می داند که حالت روحی را سبب می گردد و نمود آن ادراکی است (Carmona,۲۰۰۶,۹۹)؛ بسیاری از رفتارهای انسان در محیط بیش از آنکه در تاثیر عینیت محیط «فضا» قرار گیرند، متاثر از معنای فضا «مکان» می باشد. بنابراین پیوند میان انسان و مکان غیرگسستنی است و در این میان حلقه اتصالی وجود دارد که به آن هویت گویند.

پس هم انسان به مکان هویت می بخشد و هم مکان به انسان. از این رو انسان را با مکان پیوند می زند و مکان و انسان دو جزء جدایی ناپذیر از هم می شوند. بدین ترتیب مکانی، که با ذهن انسان رابطه برقرار می کند و قابل به یاد آوردن و جزئی از ذهن او می شود حتی اگر دیگر بازگشتی به آن صورت نپذیرد. طبق نظریات مکتب گشتالت ذهن انسان متشکل از ادراکات کلی معناداری می شود که این ادراکات از طریق تداعی با یکدیگر ارتباط یافته و بدین گونه پدیده ها را تفسیر می کنند. (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۴).

مکان علاوه بر عناصر کالبدی شامل فعالیت و تصورات ذهنی با پیام ها، معانی و رمزها که مردم براساس نقش ها، توقعات، انگیزهها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می کنند و در مورد آن به قضاوت می پردازند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می آید هویت مکان نامیده می شود.

لینچ حس مکان (به مثابه هویت مکان) را عاملی بر می شمارد که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می آورد. او اعتقاد دارد که فضا باید هویت قابل ادراکی داشته و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد شده و ارتباط انسان و مکان به وحدت انجامد (لینچ،۱۳۷۶). از نظر نوربرگ شولتز، نیز حس مکان در مکانهایی یافت می شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند (دارای هویت مکان) و این شخصیت مشخص از چیزهایی ملموس که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ هستند، ساخته شده است. (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، ص ۴۵)؛ بنابراین با در نظر گرفتن این موضوع که حس مکان، تنها یک راه ساده برای توضیح نحوه ادراک یا دریافت مکان توسط فرد نیست بلکه مفهومی ارزشی و چند بعدی است (Stefanovic,۱۹۹۸,۴۴-۳۱). بنابراین هویت به عنوان یکی از راهکارهای ایجاد و برقراری حس مکان در مکانها و فضاها و بوجود آورنده وحدت بین انسان و مکان می باشد.

رلف معنای مکان را در تصویرهای ذهنی و خاطره های مردم آن را موثرترین عامل در هویت مکان می داند. «تا زمانی که معنای مکانها در ساختار فیزیکی و فعالیتهایی که در آن رخ می دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی شود، بلکه باید معنا را در تصویرهای ذهنی و تجربه های انسانها از مکان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۷. حس مکان و معیارهای سنجش آن، پونتر و مونتگمری ماخذ: (Carmona,۲۰۰۶)

حس مکان	معیارهای سنجش
معنا	همکاری فرهنگی، عملکردهای ادراکی، تشخیص و ارزیابی کیفی
فعالیت	استفاده از مکان، روانی پیاده رو، روانی نقلیه، رفتار، الگو، خوانایی، بو و صدا
ساختار فیزیکی	منظر شهری، چشم انداز، نفوذپزیری، شکل ساخت، مبلمان

جستجو کرد» (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۳). ادوار رلف برای هر مکان سه نشانه هویت مکانی می داند که معرف حس مکان نیز هستند گرچه برای او حس مکان چیزی فراتر از این سه حس (ساختار فیزیکی، فعالیت، معنا) است اما این سه را در ایجاد حس مکان در مردم تاثیرگذار می داند (Carmona,۹۹,۲۰۰۶).

بنابر جدول فوق با قرارگیری مفهوم معنا به جای تصویر ذهنی، که رلف آن را بیشترین عامل تاثیرگذار در حس و هویت مکان می داند، عواملی مانند خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه های حسی، ادراک و ارتباط روانی با مکان را در دو جنبه شخصی و جهانی یا فردی و گروهی مطرح می کند. در فعالیت، عواملی مانند گوناگونی رویدادها، سرزندگی که لینچ هم در عوامل شکل خوب شهر به آن اشاره می کند. با در نظر گرفتن عملکردها و توانایی های انسان در طراحی شکل شهر تفسیر می شود. همچنین فعالیتهای مانند بازی-های محلی و سنتی و خرده فروشی ها و میزان کسب درآمد را از عوامل تاثیر گذار در زنده بودن مکان و از طرفی هویت آن می دانند.

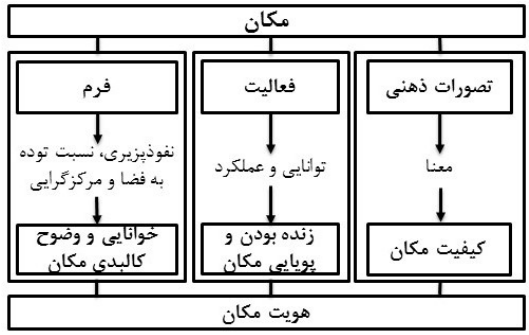
از نظر فرم نیز، میزان نفوذپذیری و فضاهای عمومی و نسبت فضای ساخته شده به فضاهای باز و مرکزگرا یا همان گره های لینچ می توانند در ایجاد حس مکان در مردم تاثیرگذار باشد. شولتز نیز در این خصوص بیان می دارد که مکانهای با معنا سبب ایجاد تصاویر ذهنی روشن و با هویت برای شخص می گردد. شولتز همچنین مشارکت و فعالیتهای گروهی را، موجب با کیفیت شدن مکان می داند. و فرم را نیز رابطه بیرون با درون به معنای اهمیت دادن به ویژگی های محیط و توجه داشتن به عناصری مانند سقف، دیوار و کف که بوجود آورنده ی درون و در عین حال سامان-دهنده بیرون هستند را اصل قرار می دهد. او معتقد است که این عوامل می تواند بستر لازم را برای ارتباط برقرار کردن با انسان و زنده شدن پیدا کند (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۳).

مولفه های هویت مکان

این مولفه ها به صورت عوامل کالبدی، احساسات و معانی و فعالیتها می باشند که عوامل کالبدی از نظر فریتز استیل عوامل مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب،مقیاس انسانی فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (Steele,۱۹۸۱) و عوامل معنایی بر طبق نظریه های شولتز، رلف و لینچ می باید در خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه های حسی، ارتباطات روانی، ادراک فردی و گروهی و فهمیدن جستجو نمود (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)؛ لذا که در واقع مکان، زمانی معنا پیدا می کند که درک حسی از آن صورت گرفته و تصویری ذهنی از خود بر جای گذاشته باشد. بدین ترتیب فضاهایی در ذهن شهروندان ماندگار می شود که از خوانایی مسیر یا اماکن موجود و امکان به خاطر سپردن آنها توسط ناظر در عین حال بازشناسی مسیر و جهت یابی درست برخودار باشند تا تشخیص آن برای مردم سخت نباشد. در واقع اینها عواملی هستند که همه و همه در ایجاد یک تصویر ذهنی در شهروندان کمک می نمایند (بازوندی و شهبازی، ۱۳۹۳، صص ۳۷-۳۸).

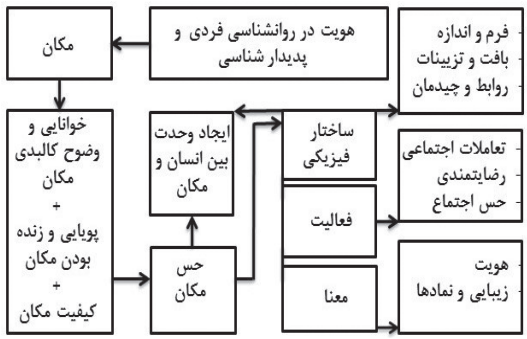
از دیگر ویژگیهای مکان که سبب ارتقای حس

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۱۱. مفاهیم و مولفه های مشترک مکان و هویت

مکان، ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۲. حس مکان و حوزه های معنایی آن، ماخذ:

نگارندگان.

مکان می گردد، فعالیتها و تعاملات بین انسان- مکان و انسان- انسان است. (Relph,۱۹۷۶) بنابراین تعاملات اجتماعی مرتبط با مکان به عنوان زیرمولفه‌ای از فعالیتها تلقی می شود (turner,۲۰۰۶,۲۰۴-۲۱۷) جنیفر کراس نیز عوامل مؤثر بر حس مکان را چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می داند و رابطه با مکان را به صورت های زندگی نامه‌ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجباری دسته بندی می کند که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایتمندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می کنند (Montgomery,۱۹۹۸,۹۳-۱۱۵).

علاوه بر مطالب گفته شده، با توجه به نظرات کرمونا، طریقی که مکان ها در طول زمان به وسیله آن اداره شده و کنترل می شوند، نیز موثر بر حس مکان می باشد. (Carmona,۲۰۰۷,۱۰۲)؛ بدین ترتیب تأمین فعالیت ها از فضا با رضایتمندی از ویژگیهای متغیر محیط مانند دما، صدا و امکان انجام فعالیت های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط مانند ابعاد، تناسبات و فرم ها به وجود می آید.

هویت کالبدی

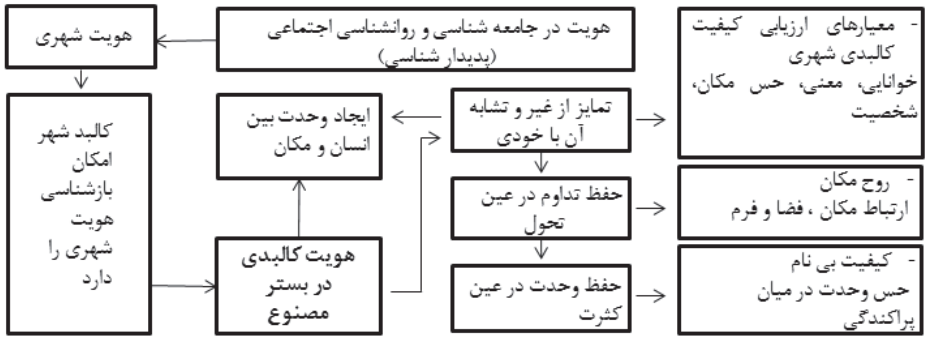
یکی از روشهای مطالعه هویت محیط مصنوع روشی، صرفاً کالبدی است. از آن جا که هویت در مباحث کالبدی، به مفهوم نوعی حس و درک انسانی مطرح نیست، ولی در عین حال در برگیرنده اندیشه ها، باورها، فعالیّتها و سطح فرهنگ جامعه است. بنابراین می توان از مفهوم «هویت کالبدی» نیز استفاده نمود (اصانلو، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

بررسی مفهوم هویت و کالبد به صورت جداگانه در حوزه های معنای عام (ادبیات غیر تخصصی) و خاص (ادبیات تخصصی معماری و طراحی شهری) دارای معانی زیر می باشد:

۱-تمایز/ تشابه؛ به معنای تمایز از غیر و تشابه با خودی؛ در ادبیات معماری و طراحی شهری معاصر، هویت جایگاه خاصی دارد و مفهوم آن را می توان به طور ضمنی یا به صراحت در تعریف مهمترین معیارهای ارزیابی کیفیت کالبدی شهر (نظیر: زمینه های تاریخی، کالبدی و اجتماعی- فرهنگی) جستجو نمود. مفاهیمی چون خوانایی، معنی، حس مکان و شخصیت مستقیماً به مفهوم تمایز و تفاوت مکانی مربوط شده، بر حفظ آن تاکید داشته اند و آن را یکی از صفات مهم کیفی شهر می دانند (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

۲-تداوم/ تحول؛ به معنای پیوند با گذشته و عدم انقطاع (تداوم معنی و ارزشهای خودی) در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه (خود ماندن ولی همان نماندن)؛ مفهوم تداوم در عین تحول را می توان به خوبی در یافته های کریستین نوربرگ شولتز مشاهده کرد. به اعتقاد او مکان هم ثبات دارد و هم برخوردار از تغییرپذیری است، و این نکته ای نیست که به آسانی دریافتنی باشد. ثبات همان روح مکان است و به تعبیری همان ارتباط ویژه آن مکان با فضا، فرم و صورتهای به کار رفته در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۱۳. هویت کالبدی و حوزه های معنای آن، ماخذ: نگارندگان.

آن، و تغییرپذیری و بی ثباتی مکان به دلیل نیاز به تاویل و باز تاویل مکان به شیوه های مختلف و چه بسا متضاد. (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

۳-**وحدت/کثرت** به معنای پیوند میان اجزاء متفاوت، ناهمگون و حتی متضاد، به گونه ای که در کنار هم یک کل را به وجود بیاورند، دست یافته است؛ (میرمقتدایی،۱۳۸۳، ص ۳۳). تعبیر وحدت در کثرت در بسیاری از متون تخصصی آمده است. در این متون، بر لزوم شکل گیری یک کل واحد از اجزا متکثر تاکید شده است. الکساندر در کتاب «روش بی زمان ساختن» تمام تاکید و توجه خود را به شکل گیری یک کل مبذول می دارد. کلی که در اثر میلیون ها عمل ساختمان سازی به وجود می آید و تبلور کالبدی آن «کیفیت بی نام» است (Alexander,۱۹۷۹).

بنابراین با توجه به مفاهیم پیش گفته هویت کالبدی به معنای صفت ها و ویژگی هایی است که جسم شهر را از غیر آن، متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می کند. این صفت ها باید به گونه ای باشد که جسم شهر، در عین تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و در نهایت به پیدایش یک کل منجر شود. بنابراین مطالعه هویت کالبدی مستلزم بررسی خصوصیات متمایز کننده شکل شهر و بستر محیط مصنوع براساس شکل ۱۳ می باشد.

هویت جمعی- شهری

تعریف هویت در حوزه جامعه شناسی از مرتبط ترین تعاریف مربوط به هویت جمعی و شهری می باشد. همچنین مباحث مربوط به روانشناسی اجتماعی و تاثیر الگوهای رفتاری بر شکل گیری فضاهای شهری نیز، به نظریات جامعه شناسی بسیار نزدیک است. در جامعه شناسی «هویت جمعی» را تلاشی برای تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی افراد جامعه دانسته، مکان و محیط پیرامون را در شکل گیری هویت اجتماعی بسیار موثر قلمداد می نمایند. در واقع مکان و گروه را موجب انجام کنش های متقابل بین فرد و فضا بر می شمرند (بهزادفر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۴-۵۵). در واقع هویّت شهری، هویّت جمعی است که در کالبد، محتوا و معنی شهر تجلّی می یابد و به واسط تداعی خاطرات جمعی، حس تعلّق خاطر به مکان را بر می انگیزد و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن هدایت می کند (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۵۴).

بنابراین آنچه اثری را در نگاه عموم با -یابی- هویت جلوه می دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویتی جمعی و پایدار است. در این نگاه، اثر با هویت اثری است که هویت آن در راستای هویت جمعی (مذهبی، سرزمینی، نژادی و غیره) باشد، همچون یک بنای تاریخی در یک بافت تاریخی؛ و اثر بی هویت اثری است که هویت آن در تعارض با هویت جمعی و پایدار است. مانند یک بنای مدرن در یک بافت تاریخ. (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷). همچنین از آنجایی که هویت هر پدیده از دو جزء اساسی عینی و ذهنی تشکیل شده است. در شناخت هویت شهری باید هر دو سویه عینی آن یعنی شهر، ساختار و کالبد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شـهری، کارکـرد اقتصـادی آن، فضاهـای عمومـی و غیـره، و نیـز عامـل ذهنـی یعنـی گروههـای اجتماعی سـاکن، سـطح ادراک و شـعور اجتماعـی و توقعـات و مطالبـات آنهـا، وضعیت شـهروندی، گروههای همگن و نظایـر آن مـورد بررسـی و مطالعـه قرار گیرنـد (صبری و مشـارزاده مهرابـی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۷). از ایـن رو موارد مذبـور بـه صـورت زیـر تفکیک مـی گردد:

عوامل ادراکی- شناختی

فضاهـای شـهری، مکان هایـی هسـتند کـه بـه عمـوم شـهروندان تعلّـق دارنـد، منحصـر بـه جنبـه کالبـدی و فیزیکـی نیسـتند و در حقیقـت بـا حضـور انسـان و فعالیّـت او معنـا می یابند. (مدنی پـور، ۱۳۸۷، ص ۱۳). در احیـای خاطرات جمعی شـهر نیز اهمیـت فعالیت و معنـا نسـبت به جنبه هـای کالبـدی و فیزیکی بیشـتر رخ می نمایـد. از عوامـل و مولفه هـای موثـر فعالیتـی و معنـای در ایجـاد هویـت جمعـی توجـه بـه هویـت، فرهنگ[1]، خاطره، زندگی هر روزه شـهری و جهت دهی آنهاسـت. در واقـع حافظه جمعـی از طریق ایجاد مکان، منظـره سـازی، بازاریابـی شـهر، اقدامـات فسـتیوالی و مداخلـه در خاطـرات جمعـی شـهر بـا پررنـگ نمودن لحظاتـی خـاص از تاریخ شـهر از طریـق تاکید فیزیکی و فعالیتی و برندسـازی نشـانه های آن و حذف ترومایی وقایـع و پیشـامدهای ناگـوار بـا پاکسـازی یـا تغییرات عمـده کالبـدی نشـانه های بـارز کـه خوانـش واقعـه را ممکـن می سـازند، صـورت می پذیرد. همچنیـن ایجاد تئاترهـای خاطـره کـه می توانـد بـا شاخص سـازی یـا حـذف بخشـهای نامطلـوب سـبب پیدایـش حـس نوسـتالژی برای شـهروندان و گردشگران شود (سلطانی و همـکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۰). از دیگـر عوامـل ادراکـی- شـناختی احسـاس تعلـق اسـت، کـه دارای معیارهـای چـون احسـاس امنیـت، خاطره انگیـزی، حـس تعلق و وابسـتگی بـه منظـور ارزیابـی هویـت تدویـن شـده در ارتبـاط بـا محیـط می باشـد. کـه ارزیابـی ایـن گونـه معیارهـا اغلـب از طریـق مصاحبـه بـا مـردم و بررسـی نظـرات آنهـا انجـام می گیـرد (لنـگ، ۱۳۹۱) و در صـورت مشـارکت شـهروندان در امـور شـهری، تفکـر «شـهر مـا» بـه وجـود خواهد آمـد و شهرنشـینان را به سـوی شـهروند شـدن که گسـتره ای فعال تر از ساکن شـدن صـرف دارد، هدایـت می کنـد. بنابرایـن مطابق آنچـه کـه گفتـه شـد، نمونـه ای از معیارهـای ارزیابـی هویت انسـانی شـامل احسـاس امنیت، خاطره انگیزی، حـس تعلـق و وابسـتگی می باشـند کـه بـه صورتهـای گوناگـون روی می دهنـد ماننـد: رویدادهـا و اتفاقـات روزانـه و ایجـاد فضاهـای دلنشـین و خودمانـی (وارثی و همـکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۶). هویـت در بررسـی های علـوم ادراکـی- رفتاری انسـان بـه معنای ابعـاد معنایی و تداعـی آن نیـز در نظـر گرفتـه شـده اسـت؛ یکـی از معیارهـای هفتگانـه ای که کوین لینچ در نظریّه شـکل خـوب شـهر برای سـنجش شـکل خـوب شـهر مطرح می کنـد معنـا اسـت به باور لینـچ معنای شـهر تنها در محدودهٔ کالبدی و نقشـه آن نیسـت، بلکه شـهر بر پای زندگـی سـاکنان آن، دیـدگاه آنان نسـبت به شهرشـان و زندگـی شـهری معنـا می یابـد. (پاکـزاد،۱۳۸۶،۱۶۹) از ایـن رو تداعـی ایـن معانـی وابسـته بـه حـس تاریخ، پیشـرفت ارتبـاط خاطـره ای، عناصـر هویـت سـاز و یا تصویـر، فعالیتهـا و عواملـی کـه موجب هویت بخشـی بـه محیـط می شـود شـکل می گیـرد (سـلطانی و همـکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۳).

عوامل کالبدی- محیطی

این عوامل عبارتند از:

۱-«**بسـتر طبیعـی**»: مـکان و مقـر شـهر دارای ویژگی هـای طبیعـی خاصـی اسـت کـه بخشـی از هویـت شـهر را به تصویر می کشـد کـه در غالب هویت طبیعـی شـهر قابـل توصیـف اسـت. (یزدانـی و یـاری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰)؛ مشـخصات طبیعـی از قبیـل عنصـر آب طبیعـی، نهـر، رودخانـه یـا دریاچه پهنه های سـبز

۱. اساساً هویّت شهری توسط فرهنگ شهری و خرده فرهنگ های متعلّق به آن، در بستر تاریخ و در دل ساختار اجتماعی وسیعتری که جامعه را در ب می گیرد، در روند تحوّلات اقتصادی و سیاسی آن، شکل می گیرد و دگرگون می شود. بدین دلیل نگاه ایستا به مقوله-های هویّت و از جمله هویّت شهری قادر به درک آن نیست. فرهنگ را می توان مجموعه ای پیچیده از دانش ها، باورها، هنر و آداب و رسوم جامعه دانست که مبتنی بر ارزش هایی است که گروهی به آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می کنند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۵۵).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

(باغـات یا جنـگل) و گونه هـای جانـوری مختص نقاط ویـژه، ارتفاعـات و کوههـا، نـوع اقلیم و هـر گونه عنصر مهـم یـا نشـانه طبیعی که بـه عنـوان نمـاد اصلی یک شـهر در مـی آیند (سـلطانی و همـکاران، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۲) و خـود را بـه عنـوان عناصـر اصلـی هویـت بخشـی در شـهر معرفـی می کننـد، نقش مهمـی را در شـناخته شـدن شـهر و سـاکنین آن ایفـا مـی نمایند.

۲-«**بسـتر مصنوع**»: هر شـهری از نقطـه نظر هویت سـاختاری- کالبـدی در لایه هـای مختلـف زمانی قابل بررسـی می باشـد. این هویـت از زمانی کـه احتمالاً آن شـهر بصـورت یک روسـتا بوده تـا امروز که بـه صورت یـک شـهر بـزرگ عمـل می کند، قابـل پیگیری اسـت. ابعـاد بررسـی هویـت مصنـوع هـر شـهری از تعمق در عناصـر خطی- کانونـی، میادیـن، دروازه هـا (بهزادفر و همـکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۸). سـاختمانها، شـبکه راههـا، فضاهـای عمومـی و بـه طـور کلـی محیـط مصنـوع تشـکیل یافته است.(هاشـمی زاده، ۱۳۷۳، ص ۲۲۳). از این رو بررسـی نفوذپذیری، ریزدانگـی، تنوع و جذابیت، تعـدد و کیفیـت عرصه هـا و فضاهای عمومی، اسـتفاده از فضای سـبز و عنصر آب، المانهـای معماری به عنوان تصویـر، نشـانه ها، تحریک بصـری و توجه بـه جزئیات، جدارهـای فعال خیابـان و کیفیت تسـهیلات و مبلمان شـهری در مطالعـه خصوصیـات بسـتر مصنـوع حائـز اهمیت اسـت (سـلطانی و همـکاران،۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۲). بررسـی ایـن عوامـل و یافتـن عناصـر هویـت دار، منظـر و سـیمای متفاوتـی را از کالبـد هـر شـهر بـه نمایـش می گذارنـد. در ایـن میان باید عنـوان نمود که نماهـا و فضاهـای شـهری در هر دوره تاریخی براسـاس ویژگیهـای کالبـدی و نقـش کارکـردی ویـژه خـود بـه عنـوان اولیـن رکـن هویـت بخـش شـهری محسـوب می گردنـد. ایـن شـاخصها می توانـد در تعییـن نـوع معمـاری، کاربـری اراضـی و کالبدهـای شـهری مؤثـر باشد.(هاشـمی زاده، ۱۳۷۳، ص ۲۲۳). بنابرایـن مطابق آنچـه بیـان گردیـد، بافـت کالبـدی و سـاختار مکانی- کالبـدی شـهری از ابعـاد مهـم هویّتی در شهرهاسـت، لـذا کـه شـکل گیری بافـت کالبـدی شـهر متأثـر از اندیشـه هـا، باورهـا، فعالیّـت هـا و سـطح فرهنـگ جامعـه اسـت. در واقـع کالبـد شـهر امکان بازشناسـی هویّـت شـهری را بـه صـورت بصـری فراهـم می کند و بـه همیـن دلیـل از میـان سـایر ابعـاد هویّتـی اهمیّت بیشـتری دارد (چنگیزی و احمدیـان، ۱۳۹۲، ص ۲۵).

عوامل کارکردی- فعالیتی

یان گهـل فعالیتهـای شـهری را بـه سـه دسـته عمـده فعالیتهـای انتخابـی (تفریحـی)، اجتماعـی و اجبـاری دسـته بندی می کنـد (Gehl,۱۹۸۷): فعالیتهـای اجبـاری (نظیـر: کارکردهـا شـغلی، مراجعـات اداری، عبـور و مـرور هدفمنـد و دیگـر عملکردهـای که جنبه اجتماعـی یـا تفریحـی ندارنـد) نظیـر فعالیـت هـای اقتصـادی؛ فعالیتهـای اقتصـادی نیـز می تواننـد بـه عنـوان شـاخص هویـت بخـش فضاهای شـهری مطرح شـوند «چـه بسـیارند برخـی از فعالیت هـا که بـه طور ویـژه در مکان ها و یا شـهرهای خاصی وجـود دارد و به عنـوان یکـی از ارکان هویتی شـهر خودنمایی می کنند و چـه بسـیارند برخـی ویژگیهـا و فعالیتهـای اقتصادی کـه ریخـت شـهری را تحـت تأثیـر قـرار می دهنـد» (یزدانـی و یـاری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳). در واقـع تجلـی نـوع فعالیـت اقتصـادی در ریخـت شناسـی، سـیمای شـهر و سـایر عناصر شـهری، می تواند به شـکل گیری حـس مـکان کمـک نمایـد. همچنین بـه عنـوان مثال، تقویـت فعالیتهای ویـژه و بومی منطقه، صنایع دسـتی و گردشـگری از نمونـه هـای عینـی این بخـش از ابعاد هویـت شـهری اسـت (وارثـی و همـکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

فعالیتهـای اجتماعـی که شـامل کارکردهـای اجتماعی نیـز می باشـد (نظیـر: ملاقـات دوسـتان، شـرکت در فسـتیوالها، جشـنها، نمایشـها و یـا مناسـبتهای مهـم محلـی یـا ملـی، پیاده روی هـا و یـا تجمعـات گروهی، اجتماعـات خانوادگـی، شـرکت در مراسـم مذهبـی و انـواع دیگر تعامـلات اجتماعـی) و فعالیتهـای تفریحی (انتخابـی) (نظیـر: ورزش یـا بـازی، خلـوت کـردن یـا قدم زدن، نشسـتن و اسـتراحت، اسـتفاده از رسـتوران یـا کافه وجـود کاربریها و اقتصاد شـبانگاهی، فعالیتهای

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

فرهنگی و دیگر تفریحات عمومی، محلی و یا موقعیتی و فصلی) (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۲) بقیه عملکردها نظیر عملکردهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به صورت پراکنده و مختلط در درون فعالیتهای مذکور جاسازی شده‌اند.

نتیجه گیری و جمعبندی

هویت در واژه شناسی معنای واژه‌ای مابین انسان و محیط می باشد. در بررسی هویت انسانی (انسان زیسته در جامعه سنتی: توجه به یک مبدا و یک مرکز مشتمل بر کمال، پاکی، ازلی و تمامیت و پیروی از اصول الهی با سمت و سوی آمیخته به ریاضتها، رعایتها، خودداری ها با اصول پایداری نظیر: وحدت، حکمت، صداقت، قناعت و ... و انسان زیسته در جامعه مدرن: توجه به برهه ای میان تولد و مرگ بدون هیچ غایت و فرجام با توجه به هویتی متکثر و اکتسابی و محیط مادی و پیروی از مظاهر اصول پویا، متکثر و گذرای عصر جدید) نیز می توان با تحقق اولین نیاز غیرمادی انسان یعنی هویت به ماندگاری فضایی دست یافت. در واقع میان انسان و محیط رابطه ای متوازن و تاثیرگذار بر هم برقرار است. ایجاد خوانایی و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان براساس کیفیتهای فضایی او مهمترین عامل مداخله انسان در محیط است. در واقع رابطه بین انسان و فضا که به هویت فضایی (خصوصیات کمی و کیفی فضا و الگوهای رفتاری انسان) می انجامد. اطلاعاتی در رده ی عینیت و واجد فرم و عملکردند. در حالی که رابطه بین انسان و مکان در صورت نپرداختن به آن سبب سرگردانی و بی هویتی می گردد. از این رو دارای درهم تنیدگی بیشتری با ارزشهای انسانی است. مکان اطلاعاتی در رده ذهنیت و واجد فرم، عملکرد (مادی) و تصورات ذهنی (غیرمادی) است و از آنجا که اولین نیاز غیر مادی انسان نیز هویت می-باشد. از این رو مفهوم هویت، ذهنیت، معنا و انسان مفاهیم نزدیک به یکدیگراند. یعنی ایجاد هویت در وهله اول توجه به تصورات ذهنی انسان حائز اهمیت است. بدین ترتیب به جهت ایجاد وحدت بین انسان و مکان به هویت کالبدی در بستر مصنوع (مانند: تمایز از غیر و تشابه آن با خودی، حفظ تداوم در عین تحول و حفظ وحدت در عین کثرت) توجه می گردد؛ چنانچه که تصورات ذهنی در انسان بوجود آید محیط تبدیل به مکان می شود و رابطه انسان و مکان بواسطه هویت (هویت کالبدی) شکل می گیرد. این رابطه جهت دهنده رفتار وی و در عین حال متاثر بر هویت فضایی و کیفیتهای فضایی می باشد. هویت مکان (در ساختارهای فیزیکی نظیر: منظر، چشم انداز، نفوذپزیری، شکل و فرم، اندازه، بافت، روابط و چیدمان، در فعالیت نظیر: استفاده از مکان، روانی پیاده رو و نقلیه، رفتار، الگو، خوانایی، بو و صدا، تعاملات اجتماعی، رضایتمندی و...، در معنا نظیر: همکاری فرهنگی، عملکردهای ادراکی، تشخیص و ارزیابی کیفی، زیبایی و نمادگرایی) با توجه به سه عامل فرم، عملکرد و معنا (کالبد، کارکرد و ادراک) و هویت فضایی براساس فرم و عملکرد (کالبد و کارکرد) محیط را واجد خوانایی و سپس هویت می نمایند. در واقع مکانهایی با امکان ایجاد تصاویر ذهنی (خوانایی، به خاطر سپردن، بازشناسی و جهت یابی) نفوذپزیری بیشتری در ذهن دارند. و برای انسان باهویت می باشند. بدین جهت برای افزایش کیفیت و ماندگاری فضا در ذهن، علاوه بر معنا می باید از فعالیتها و مشارکتها و فرم (کالبد) برای برقراری ارتباط انسان با محیط بهره گرفته شود.

از این رو با در نظر گرفتن اشتراکات معنایی و خوانایی مابین هویت مکان و هویت محیط همچنین اشتراکات فرم و عملکرد مابین هویت مکان و هویت فضایی می توان بر طبق سه مولفه اصلی و مشترک مابین هویت محیط، هویت مکان، هویت فضا و هویت کالبد به دسته بندی، جمع بندی و فشرده سازی موارد پیش گفته در قالب کلید واژه های عوامل کالبدی، کارکردی و ادراکی پرداخت.

بنابراین مطابق جدول زیر شناخت هویت شهری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۱۴. مولفه ها و عوامل هویت بخش شهری و جمعی، ماخذ: نگارندگان.

هر شهر مشتمل بر شناخت: مولفه های کالبدی- محیطی (نظیر: مولفه های مصنوعی، جنبه های فیزیکی- ساختاری کالبد شهر- فرم و ساختارهای فیزیکی- و تعمق در عناصر خطی، کانونی، هندسی و...)، مولفه های ادراکی- شناختی (نظیر: خاطرات جمعی، ارتباطات و نظام بصری، علوم رفتاری و کیفیتهای فضایی، احساس تعلق- احساس امنیت، خاطره انگیزی، حس تعلق و وابستگی- مشارکت، سطح ادراک و وضعیت شهروندان و گروههای اجتماعی)، مولفه های کارکردی- فعالیتی (نظیر:کارکردها و مولفه های اقتصادی، فرهنگی- ارزشها، دانشها، باورها، آداب و رسوم و سنتها- اجتماعی، سیاسی)، مولفه های هویتی (نظیر: هویت کالبدی، هویت مکان، هویت طبیعی- عوامل طبیعی منطقه به صورت نمادها- شخصیت) می باشد.

منابع و ماخذ

احمدی، الهه (۱۳۸۹) تالار شهر تهران (با رویکرد پایداری اجتماعی)، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری، تهران.

احمدی، بابک (۱۳۷۷) معماری مدرنیته، نشر مرکز، تهران.

آریانپور کاشانی، عباس و منوچهر (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی به انگلیسی، امیرکبیر، تهران.

اصانلو، حسن (۱۳۹۱) بازشناسی مفهوم هویت کالبدی و تعامل معماری کهنه و نو در ساماندهی محله تاریخی جلفا اصفهان، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۰، صص۸۵-۹۵

بازوندی، فرشاد و شهبازی، مهرداد (۱۳۹۳) نقش سرزندگی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و میزان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

بهره گیری از فضای شهری (مطالعه موردی: پیاده راه خیابان سپهسالار تهران)، دو فصلنامه «پژوهشهای منظر شهر»، سال اول، شماره ۱، صص ۳۳ – ۴۳
بهزادفر، مصطفی و مرادی مسیحی، واراز و مقدم قارویری، مریم (۱۳۸۷) «مقدمه‌ای بر شناخت هویت شهری بافت قدیم کرمان»، دوماهنامه شهر نگار، سال هشتم، شماره۴۷، صص۵۴-۶۷
پارکینسن، جان (۱۳۸۰) دموکراسی، معماری و فضای همگانی، ترجمه سحر قاسمیان، مجله معماری ایران، شماره ۲۹-۳۰
پورجعفر، محمدرضا، پورمند، حسن علی، ذبیحی، حسین، سادات هاشمی دمنه، لیلا، تابان، محسن (۱۳۹۰) پدیدارشناسی هویت و مکان در بافتهای تاریخی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره سوم، صص۱۱ تا ۲۰
چنگیزی، نگار و احمدیان، رضا (۱۳۹۲) بررسی شاخص های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی: بازار کرمان)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره۱۱، صص۵۳-۶۳
حجت، عیسی (۱۳۸۴) هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴
دریای لعل، بهرنگ و حوصله دارصابر، ریحانه (۱۳۸۹) بازنگری یک مفهوم در معماری معاصر ایران «هویت»، فصلنامه فن و هنر، سال چهاردهم، شماره۲۸، صص۱۴-۱۸
دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴)"لغتنامه فارسی"، چاپخانه مجلس شورای ملی، تهران.
راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده، ترجمه فرح حبیب، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
ربانی، رسول (۱۳۸۱) جامعه شناسی شهری، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، اصفهان.
رحمانی، محبوبه (۱۳۸۹) مکان و مفهوم آن در معماری سنتی و هویت مکان در معماری امروز، ماهنامه راه و ساختمان، سال هشتم، شماره ۷۱، صص۸۵-۹۲
سادات حبیبی، رعنا (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره۳۵، صص۳۹-۵۰
سلطانی، علی؛ زرگری مرندی، ابراهیم و نامداریان، احمدعلی، (۱۳۹۲) شکل گیری، تقویت و مانای خاطره در فضاهای شهری نمونه موردی محور شهید چمران شیراز، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، صص۸۷-۹۸
شولتز، نوربرگ کریستیان (۱۳۸۳) معماری: معنا و مکان، ترجمه برازجانی، انتشارات جان جهان، تهران.
صبری، سهیل و مشارزاده مهرابی، زهرا (۱۳۸۵) جایگاه مفهوم هویت در شهرهای جدید، مجموعه مقالات همایش بین المللی شهرهای جدید، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، تهران، شماره صفحه۲۶۷
عمید، حسن (۱۳۵۲) فرهنگ عمید (جیبی)، انتشارات جاویدان، چاپ پنجم، تهران.
فیالکوف، یانکل (۱۳۸۲) جامعه شناسی شهری، ترجمه عبدالحسین نیک گهر ، نشر آگه، مشهد.
قاسمی، مروارید (۱۳۹۰) اهل کجا هستم (هویت بخشی به بافتهای مسکونی)، انتشارات روزنه، تهران.
قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷) مفهوم هویّت و معماری امروز ایران، ماهنامه آینه خیال، شماره ۱۰.
کاشی، حسین و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲) تبیین مدل هویت مکان- حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن نمونه موردی: پیاده راه شهر ری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۱۸، شماره ۳
کامیار، سجاد (۱۳۹۳) رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶
الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۵) زبان الگو، ترجمه رضا کربلایی نوری، ویراستار حمید خادمی، چاپ پنجم، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، تهران.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

گلکار، کوروش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه علمی- پژوهشی صفه، شماره ۳۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران، صص ۳۸-۶۵
گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
لنگ، جان (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.
لنگ، جان (۱۳۹۱) آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران چاپ چهارم، تهران.
مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰) روان شناسی محیطی و کاربرد آن، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران
معین، محمد (۱۳۸۴) فرهنگ فارسی معین، انتشارات ساحل، چاپ دوم، تهران.
میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳) معیارهای شناخت هویت کالبدی شهرها، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صفحه ۳۴،۳۳،۱۰،۳۲و۳۵
میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۵) هویت کالبدی شهر، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
نصر، سید حسین (۱۳۸۰) معرفت و امر قدسی، ترجمه ی فرزاد حاجی میرزایی، نشر فرزان، تهران.
نصر، سیدحسین (۱۳۷۶) جوان مسلمان و دنیایی متجدد، ترجمه ی مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو، تهران.
نقی زاده، محمد (۱۳۷۸) هویّت تجلی فرهنگ در محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴ و ۳۵، تهران.
هاشمی زاده، فرامند (۱۳۷۳) مسأله هویت در توسعه های جدید شهری و شهرهای جدید، مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین المللی توسعه شهری و شهرهای جدید در اصفهان، جلد ۲، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، تهران.
وارثی، حمیدرضا و عاملبافنده، مهدی و محمدزاده، محمد (۱۳۸۹) بررسی و تحلیل مؤلفه های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلبهار)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره دوم، صص ۳۶-۱۷
وحید، علی (۱۳۸۷) طراحی دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، استاد راهنما: مهندس سید جلیل میر باذل، استاد مشاور: مهندس آرش مهرگانی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه گیلان، گیلان.
یزدانی، محمود و یاری، ارسطو (۱۳۸۶) هویت، شهر و جغرافیا، فصلنامه اندیشه جغرافیایی، شماره ۱
یزدانی، محمود،کاویانی، یونس و یاری، ارسطو (۱۳۸۷) هویت فضایی و شهر از دیدگاه دانش جغرافیا، دو ماهنامه شهرنگار، شماره ۴۹، صص ۱۲-۱۹

Alexander, Christopher,1979,"the timeless way of building" oxford university press, Newyork.

Arefi, Mahyar,1999, non-place and placelessness as narrativeof loss: rethinking the notion of place, journalof urban design, vol.4, No.2, pp. 179-193

Canter, David,(1977a), .The Psychology of Place., London: Architectural Press

Carmona, Mathew, (2006), Public Places, Urban Spaces, Architectural press, Elsevier, Oxford.

Gehl, John (1987), "life between buildings", van nostrand Reinhold press.

Harrison, S. and Dourish, P. (1996), Re-Place-ing space: the Roles of place and space in collabora-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

tive Systems. Proc. CSCW'96. ACM Press.
Maslow, A. (1943), Theory of human Motivation, Psychological Review, 50.
Montgomery, J. ,1998, "Making a city: Urbanity, vitality and urban design", Urban Design, no. 1, pp. 93-115.
Oxford advanced learner dictionary, (2007) oxford university press.
Relph, E, 1976, Place and Placelessness, Pion Limited, London.
Steele, Fritz ,1981, The Sense of Place, CBI Publishing Company, Boston.
Stefanovic, I. L. (1998) Phenomenological Encounters with Place: Cavtat to Square One, Journal of Environmental Psychology, 18, 31-44.
Turner, P., & Turner, S, 2006, "Place, sense of place, and presence, Presence". Teleoperators and Virtual Environments, 15(2), pp. 204-217.
Wong, mark, 2003, spaces and symbols, Routledge publishers.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]